

جنایت به خاطر دختر ؛ شرط هولناک یک ازدواج

پسر ۲۰ ساله که دلباخته دختری نوجوان شده بود، وقتی از زبان مادر دختر شنید که شرط موافقت با ازدواج آنها، قتل پدر دختر است، وارد ماجرای خوفناک شد؛ ماجرای که تا یک قدمی ۳ جنایت دیگر هم پیش رفت.

به گزارش "مادران و دختران" به نقل از همشهری آنلاین، اسفند سال گذشته زن و مردی به اداره پلیس تهران رفتند و خبر از ناپدید شدن برادرشان دادند. یکی از آنها توضیح داد: برادر ۴۰ ساله‌ام از ۲ ماه قبل به همراه همسر و دختر ۱۵ ساله‌اش به خانه پدری‌مان رفتند و قرار بود تا پایان تعطیلات عید در آنجا بمانند. او آخرین بار ۲۱ اسفند برای برداشتن یکسری وسایل به خانه‌اش در پردیس رفت و از آن پس دیگر خبری از او نشد تا اینکه پیامکی از تلفن همراه برادرم به دست من رسید که در آن نوشته بود برای کار به ترکیه می‌رود. او در پیامکی دیگر از ما درخواست کرده بود که سند خودروی یدک‌کش او را به نام همسرش بزنیم که با دریافت این پیامک به ماجرا مشکوک شدیم. این در حالی بود که برادرم جواب تماس‌هایمان را نمی‌داد و فقط به صورت پیامکی با ما در ارتباط بود و به همین دلیل حدس زدیم بلایی سرش آمده است.

همسر؛ مظنون شماره یک

با ثبت اظهارات خواهر و برادر مرد گمشده، پرونده‌ای در این زمینه تشکیل شد و گروهی از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران به دستور قاضی محمدامین تقویان، بازپرس شعبه هشتم دادرسی جنایی برای یافتن این مرد وارد عمل شدند. آنها در نخستین گام به استعلام از خطوط پروازی پرداختند و مشخص شد که مرد گمشده از کشور خارج نشده است.

مأموران در بررسی‌های بیشتر به اطلاعات تازه‌ای دست یافتند که انگشت اتهام را به سمت همسر مرد گمشده به نام سارا نشانه می‌رفت. تحقیقات به دست آمده حکایت از این داشت که مرد گمشده از مدت‌ها قبل با همسرش سارا دچار اختلاف بوده. از سوی دیگر مأموران دریافتند که سارا به تازگی با جوان ۲۰ ساله‌ای به نام سهیل به صورت مخفیانه در

تماس بوده است.

هرچه تحقیقات پیش میرفت ردپای سهیل و سارا در این پرونده پررنگ‌تر می‌شد چرا که مأموران متوجه شدند آخرین بار یعنی روزی که مرد ۴۰ساله ناپدید شد، سهیل(جوان غریبه) در اطراف محل زندگی آنها حضور داشته و توسط همسایه‌ها دیده شده است.

نقشه ۳ قتل در روز سیزده به در

با جمع‌آوری اطلاعات به دست آمده، نخست دستور بازداشت سهیل، جوان ۲۰ساله صادر شد اما وقتی مأموران برای دستگیری او به محل زندگی‌اش در بومهن رفتند متوجه شدند که او خانه‌اش را ترک و به یکی از استان‌های غربی کشور سفر کرده است. با این حال وی زیرنظر بود تا اینکه چند روز بعد مشخص شد که در حال بازگشت به تهران است. مأموران همچنان سهیل را زیرنظر داشتند تا اینکه معلوم شد وی پس از بازگشت به تهران، به خانه مرد گمشده در پردیس رفته است.

روز یکشنبه سیزدهم فروردین ماه، مأموران برای دستگیری سهیل و سارا وارد عمل شدند و هر دو نفر آنها را دستگیر کردند. در بازرسی بدنی جوان ۲۰ساله، یک قبضه سلاح کلت کمری کشف شد و هردو مظنون به اداره آگاهی تهران انتقال یافتند.

آنها اگرچه سعی داشتند خودشان را بی‌گناه نشان بدهند اما وقتی شواهد و مدارک را علیه خودشان دیدند به قتل مرد ناپدیدشده اعتراف کردند. آنها گفتند که پس از قتل، جسد مقتول را در جاده دماوند دفن کرده‌اند و با تهیه اسلحه قصد داشتند که ۲ برادر و خواهر مقتول را نیز به قتل برسانند. به همین دلیل در آخرین روز تعطیلات با هم در خانه مقتول قرار گذاشته بودند تا سناریوی ۳جنایت مسلحانه را طراحی کنند اما پلیس دستگیرشان کرد و نقشه آنها نافرجام باقی ماند.

به گفته سرهنگ علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران، کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی پس از کشف حقایق راهی محل دفن جسد مقتول شدند و تلاش برای یافتن جسد وی ادامه دارد.

کینه قدیمی

زن جوان متولد سال ۶۶ است. شوهرش از بستگان نزدیکش بود و می‌گوید از دوران کودکی به او گفته بودند که باید به عقد مقتول دربیاید.

او حالا مدعی است که هرگز از زندگی مشترکش راضی نبوده و به همین دلیل نقشه قتل شوهرش را کشیده است.

چه شد که سهیل شرط عجیب تو را برای قتل شوهرت پذیرفت؟

او عاشق دخترم شده بود. از وقتی با ما رفت و آمد داشت، هر چه می‌گفتم گوش می‌کرد و من هم دیدم بهترین فرصت است تا از او بخواهم خودش را به ما اثبات کند.

با ارتکاب قتل؟

من نمی‌خواهم صحبت کنم، خواهش می‌کنم از این حرفها نزنید!

از ماجرای آشنایی دخترت با سهیل بگو؟

آنها چندماه قبل در پارک با هم آشنا شدند. دخترم الان ۱۵ساله است. سهیل هم ۲۰ساله. سهیل یک دل نه صد دل عاشق دخترم شده بود و می‌خواست به خواستگاری‌اش بیايد. من هم برایش تعریف کرده بودم که شرایط زندگی خوبی نداریم. دخترم هم به او گفته بود که پدرش او را اذیت می‌کند و همه اینها دلیلی شد تا سهیل حاضر به اجرای نقشه قتل شوهرم شود.

از چند وقت قبل نقشه قتل را کشیده بودی؟

۳۰سال قبل! (متهم لبخندی می‌زند و می‌گوید) وقتی بچه بودم می‌گفتند که باید با مقتول ازدواج کنی و از آن روز نسبت به آن مرد کینه به دل گرفتم. اصلا علاقه‌ای به او نداشتم و از حدود یک‌ماه قبل بود که تصمیم به قتل او گرفتم.

از جزئیات روز حادثه بگو؟

از قبل با سهیل هماهنگ کرده بودیم. ما در خانه پدرشوهرم بودیم و سهیل در طبقه دوم ساختمان خودمان منتظر شوهرم بود. من شوهرم را به بهانه اینکه وسایل برای من و دخترم بیاورد، راهی خانه کرده بودم. زمانی که او وارد شد سهیل با اسپری به سمت شوهرم حمله کرده و بعد با روسری خفه‌اش کرد.

بعد چه شد؟

فردای آن روز به پردیس رفتم و با همدستی سهیل جسد را داخل ماشین همسرم گذاشته و در بیابان‌های دماوند، چاله‌ای ۲ متری حفر و جسد را

دفن کردیم. من راهی تهران شدم و سهیل خودرو را در همان حوالی رها کرد.

ظاهرا قصد کشتن برادرشوهرها و خواهرشوهرت را هم داشتید؟

روز سیزده به در به خانه من رفته بودیم تا نقشه قتل آنها را طراحی کنیم اما مأموران ریختند و دستگیرمان کردند.

چرا قصد کشتن آنها را داشتید؟

چون خانواده همسرم خیلی پیگیر وضعیت شوهرم بودند و ترسیدم با پیگیری آنها ماجرا لو برود. به همین دلیل موضوع را به سهیل گفتم و او راهی غرب کشور شد و اسلحه‌ای تهیه کرد تا آنها را به قتل برسانیم. روزی که دستگیر شدیم هم داشتیم نقشه می‌کشیدیم که آنها را به بهانه‌ای سر قرار بکشانیم و سهیل با شلیک گلوله جانشان را بگیرد اما نقشه‌مان ناکام ماند.